

سیل



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: پیدایش ۶: ۱۳ تا ۷: ۱۰؛ دوم پطرس ۲: ۵ تا ۹؛ پیدایش ۷؛ رومیان ۶: ۱ تا ۶؛ مزمور ۱۰۶: ۴؛ پیدایش ۸؛ پیدایش ۹: ۱ تا ۱۷.

آیه حفظی: «لیکن همانطور مانند ایام نوح، پس آمدن پسر انسان نیز به همین گونه خواهد بود» (متی ۲۴: ۳۷).

«و خداوند دید که شرارت انسان بر زمین عظیم است، و هر نیتِ اندیشه‌های دل او پیوسته برای بدی است و بس» (پیدایش ۶: ۵). فعل «دید» (پیدایش ۶: ۵) خواننده را به گذشته و به هر یک از مراحل خلقت اولیه خدا بر می گرداند. اما آنچه خداوند اکنون می بیند، به جای tov، «نیکویی»، ra، «پلیدی» است (پیدایش ۶: ۵). گویی خدا از خلق جهان پشیمان است، اکنون سرشار از شرارت و پلیدیست (پیدایش ۶: ۶، ۷).

و با این وجود، پشیمانی خدا دربردارنده عوامل تشکیل دهنده رستگاری نیز بود. کلمه عبری برای «تاسف» (تلفظ می شود: نَحَم) در نام نوح (تلفظ می شود: نواخ) انعکاس پیدا کرده است، به معنای «آسایش» یا تسلی می باشد (پیدایش ۵: ۲۹). بنابراین، پاسخ واکنش خدا به این شرارت دو جنبه دارد. این شامل تهدید به مجازات [داوری] است که منجر به نابودی برخی می شود؛ و در عین حال، او آرامش و رحمت را وعده می دهد که منجر به رستگاری دیگران می شود. این حرف «دوپهلو» قبلا به گوش قائلان، هابیل/شیث رسیده بود و دوباره از طریق دو نسل که با هم در تضاد بودند تکرار گردید: نسل شیث (پسران خدا) و نسل قائلان (پسران انسان). اکنون ما آنرا دوباره می شنویم همانگونه که خدا بین نوح و مابقی بشر فرق قائل شد.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۳ اردیبهشت - ۲۳ آوریل آماده شوید.

آمادگی برای سیل

پیدایش باب ۶: ۱۳ تا ۷: ۱۰ را بخوانید. از این حکایت شگفت انگیز تاریخ اولیه بشر چه درسی می توانیم بیاموزیم؟

نوح نیز مانند دانیال، نبی بود که پایان جهان را پیش گوئی کرد. کلمه عبری برای «کشتی» (teveh) (پیدایش ۶: ۱۴) همان کلمه نادر عاریه گرفته شده از زبان مصری است که برای «کشتی» یا زورق مورد استفاده قرار گرفت، که در آن موسی را در زمانی که طفلی بیش نبود مخفی کردند و در رود نیل قرار دادند تا برای نجات اسرائیل از اسارت مصر در امان باشد (خروج ۲: ۳). [در اینجا واژه ای که به عنوان کشتی یا زورق ترجمه شده، به معنی «تابوت» یا «صندوق» نیز می باشد]. در اینجا شباهتهایی از لحاظ ساختار کلی، بین کشتی نوح و صندوق عهد دیده شده است (خروج ۲۵: ۱۰). همانطور که کشتی، نجات بشر را از سیل خروشان ممکن خواهد ساخت، همچنین صندوق یا تابوت عهد، علامت حضور خدا در میان قوم خدا (خروج ۲۵: ۲۲)، به کار نقشه نجات خدا برای قومش اشاره می کند.

عبارت «نوح هرچه خدا به او دستور داده بود، را انجام داد»؛ (پیدایش ۶: ۲۲) به بخش مقدماتی پایان می دهد. فعل asah، «انجام داد»، با اشاره به عمل نوح، به فعل asah، «بساز»، در فرمان خداوند به نوح اشاره می کند، که این قسمت با آن شروع می شود (پیدایش ۶: ۱۴) و پنج بار تکرار می شود (پیدایش ۶: ۱۴ تا ۱۶). این بازخورد بین فرمان خدا و پاسخ نوح نشان دهنده اطاعت کامل نوح برای انجام دستور خدا بود، to asah که [بساز] می باشد. همچنین جالب است که این عبارت در چارچوب ساختن تابوت عهد نیز بکار برده شده است (خروج ۳۹: ۳۲، ۴۲؛ خروج ۴۰: ۱۶).

مجدداً، شباهت بین دو [صندوق یا کشتی] عملکرد نجاتبخش و رستگار کننده مشترک آنها را تایید می کند. بنابراین، اطاعت نوح، بخشی از برنامه نجات خدا توصیف می شود. نوح صرفاً به این دلیل نجات یافت که با ایمان به دستورات خدا عمل کرد (نگاه کنید به عبرانیان ۱۱: ۷). ایمان او نمونه اولیه از ایمانی بود که خود را در اطاعت آشکار می ساخت، تنها نوع ایمانی که ثمربخش است (یعقوب ۲: ۲۰).

بطور خلاصه، اگرچه «نوح در نظر خداوند فیض یافت» (پیدایش ۶: ۸)، اما در پاسخ به این فیض که از پیش به او داده شده بود، نوح وفادارانه و مطیعانه به فرامین خدا عمل کرد. آیا برای همه اینگونه نباید باشد؟

دوم پطرس ۲: ۵ تا ۹ را بخوانید. چرا فقط خانواده نوح نجات یافتند؟ از داستان نوح در مورد نقش خود در آگاهی دادن به جهان در مورد داوری که خواهد شد، چه درسی می توانیم بیاموزیم؟

واقعه سیل

فعل asah، «بساز»، که به اعمال نوح اشاره می کند، همچنین یک واژه کلیدی در روایت آفرینش در کتاب پیدایش می باشد (پیدایش ۱: ۷، ۱۶، ۲۵، ۲۶، ۳۱؛ پیدایش ۲: ۲). اعمال نوح در راستای اطاعت از خدا مانند اعمال خداوند در خلقت است. آنچه ما می توانیم از این ارتباط بیاموزیم اینست که طوفان فقط در مورد مجازات بشر از سوی خدا نیست، بلکه اینگونه است که خدا ما را نجات نیز می دهد.

پیدایش باب ۷ را بخوانید. چرا شرح طوفان ما را به یاد داستان خلقت می اندازد؟ چه درسهایی را می توانیم از شباهتهای بین این دو رویداد بیاموزیم؟

مطالعه دقیق آیاتی که در خصوص سیل می باشد، استفاده از بسیاری از کلمات و عبارات متداول در داستان نشان می دهد: «هفت» (پیدایش ۷: ۲، ۳، ۴، ۱۰؛ را با پیدایش ۲: ۱ تا ۳ مقایسه کنید)؛ «زن و مرد» (پیدایش ۷: ۱۴؛ با پیدایش ۱: ۲۷ مقایسه کنید)؛ «از نوع آن» (پیدایش ۷: ۱۴ را با پیدایش ۱: ۱۱، ۱۲، ۲۱، ۲۴، ۲۵ مقایسه کنید)؛ «جانوران»، «پرنندگان»، «خزندگان» (پیدایش ۷: ۸، ۱۴، ۲۱، ۲۳ را با پیدایش ۱: ۲۴، ۲۵ مقایسه کنید) و «نفس حیات» (پیدایش ۷: ۱۵، ۲۲ را با پیدایش ۲: ۷ مقایسه کنید).

داستان سیل تا حدودی شبیه داستان خلقت است. پژواک روایت های خلقت در آشکار کردن این مطلب کمک می کند که، خدایی که آفریننده است، همان خدایی است که نابود هم می کند (تثنیه ۳۲: ۳۹). اما این پژواک ها حامل پیام امیدواری نیز هستند: طوفان از آب ها خلقت تازه ای ابداع کرد، که به هستی تازه ای منجر می شود.

حرکت آب ها نشان می دهد که این رویداد خلقت، در واقع، عمل معکوس خلقت در پیدایش باب ۱ است. بر خلاف پیدایش باب ۱، که جدایی و تفکیک آبهای بالا را از آبهای پائین شرح می دهد (پیدایش ۱: ۷)، داستان سیل، نشان دهنده پیوستگی دوباره آنهاست، همانگونه که آنها به فراتر از مرزهای خود خروشان شدند (پیدایش ۷: ۱۱).

این فرایند پیامی متناقض را انتقال می دهد: خدا آنچه را که از پیش بوده بایستی نابود کند تا بتواند پس از آن خلقتی نو بوجود آورد. خلقت زمین جدید مستلزم نابودی زمین کهنه است. واقعه سیل، نجات جهان را در پایان زمان نشان می دهد: «سپس آسمانی جدید و زمینی جدید دیدم، زیرا آسمان اول و زمین اول سپری شده بود و دیگر دریایی وجود نداشت» (مکاشفه ۲۱: ۱؛ را با اشعیا ۶۵: ۱۷).

چه چیزی در ما برای ایجاد خلقتی نو باید از بین برود؟ (رومیان ۶: ۱ تا ۶).

پایان سیل

پیدایش ۷: ۲۲ تا ۲۴ تاثیر گسترده و فراگیر سیلاب را توصیف می کند، که «هر موجودی را که بر روی زمین بود، نابود کرد» (پیدایش ۷: ۲۳) و «صد و پنجاه روز روی زمین را پوشانده بود» (پیدایش ۷: ۲۴). در مقابل این منظره نابودی و ناامیدی کامل است که «خدا به یاد می آورد» (پیدایش ۸: ۱). این عبارت در کانون آیاتی قرار دارد که داستان طوفان را شرح می دهند ، حاکی از اینکه این ایده پیام اصلی داستان طوفان نوح است.

پیدایش باب ۸: ۱ را بخوانید. این به چه معناست، که خدا نوح را «به یاد آورد»؟

فعل ذکر از زبان عبری، «به یاد آوردن»، به این معناست که خدا فراموش نکرده بود؛ این چیزی بیش از یک عمل ذهنی است. در متن کتاب مقدس، «خدا که به یاد می آورد» به معنای تحقق وعده خود اوست و اغلب به نجات اشاره دارد (نگاه کنید به پیدایش ۱۹: ۲۹). در متن مربوط به سیل، «خدا به یاد آورد» به این معناست که آب «متوقف شد» (پیدایش ۸: ۲) و اینکه نوح بزودی می تواند کشتی را ترک کند (پیدایش ۸: ۱۶).

اگرچه هنوز دستور مستقیمی مبنی بر خروج از کشتی داده نشده است، نوح اقدامات اولیه را آغاز می کند و ابتدا یک کلاغ و سپس یک کبوتر را برای بررسی وضعیت می فرستد. سرانجام، وقتی کبوتر برنگشت، می فهمد «پس نوح پوشش کشتی را برداشته، نگریست، و اینک روی زمین خشک بود» (پیدایش ۸: ۱۳).

رفتار نوح سرشار از درس‌های عملی است. از یک سو، به ما می آموزد که به خدا اعتماد کنیم، هرچند او تا بحال مستقیماً با ما سخن نگفته است؛ از سوی دیگر، «ایمان»، ارزش اندیشیدن و آزمودن را نفی نمی کند؛ «ایمان»، کار تامل، جستجو و بررسی اینکه آیا آنچه آموخته ایم صحیح است یا نه را رد نمی کند و مانع آن نمی شود.

«همانطور که به فرمان خداوند وارد کشتی شده بود، به همان گونه نیز برای بیرون آمدن از کشتی در انتظار دستور خداوند ماند. سرانجام فرشته ای از آسمان نازل شد و درب عظیم کشتی را گشود. و به بزرگ خاندان و اهل بیت او فرمان داد تا بر روی زمین قدم بگذارند و همه حیوانات را با خود ببرند» - (الن حی وایت، مشایخ و انبیا، صفحه ۱۰۵).

با این وجود، نوح تنها زمانی از کشتی بیرون آمد که خدا، سرانجام، به او گفت: «از کشتی بیرون بیا» (پیدایش ۸: ۱۵ تا ۱۹). یعنی حتی وقتی می داند که خروج او از کشتی امن است، نوح هنوز به خداوند تکیه می کند و قبل از خروج از کشتی منتظر علامت او می ماند. او با حوصله، صبر، و شکیبایی در داخل کشتی منتظر ماند.

پیدایش باب ۸: ۱، پیدایش ۱۹: ۲۹ و مزمور ۱۰۶: ۴ را بخوانید. عبارت «خدا به یاد می آورد» به چه معناست؟ این حقیقت در حال حاضر برای به معناست که، خداوند چگونه به شما نشان داده است که شما را «به یاد می آورد»؟

۳۱ فروردین

چهارشنبه

عهد: بخش اول

اکنون آن لحظه ای است که عهد وعده داده شده قرار است محقق شود. «لیکن عهد خود را با تو استوار خواهیم ساخت، و تو به کشتی در خواهی آمد؛ تو و پسرانت و زنت و زنان پسرانت، همراه تو» (پیدایش ۶: ۱۸). برخلاف تهدید الهی بر نابودی (پیدایش ۶: ۱۷)، این عهد، وعده حیات است.

پیدایش ۸: ۲۰ را بخوانید. هنگامی که برای اولین بار نوح از کشتی خارج شد، چه کرد و چرا؟

نوح مانند آدم و حوا، که مطمئناً بلافاصله بعد از شش روز خلقت، خدا را در روز سبت پرستش کردند، نوح نیز بلافاصله پس از طوفان، که خود یکی دیگر از رویداد های آفرینش است، خداوند را نیایش کرد. با این حال، بین این دو عملکرد عبادی تفاوتی وجود دارد. برخلاف آدم و حوا که مستقیماً خداوند را عبادت کردند، نوح مجبور شد به قربانی متوسل شود. این اولین اشاره به یک قربانگاه در کتاب مقدس است. قربانی نوح یک «قربانی سوختنی» (Olah)، بود، قدیمی ترین و رایج ترین قربانی. برای نوح، این قربانی یک هدیه شکرگزاری بود (با اعداد ۱: ۱۵ تا ۱۱ مقایسه کنید)، که به منظور ابراز سپاسگزاری از آفریننده ای بود که او را نجات داده بود.

پیدایش باب ۹: ۲ تا ۴ را بخوانید. چگونه سیل بر رژیم غذایی انسان تاثیر گذاشت؟ چه اصل یا قاعده کلی در پس محدودیت های غذایی خدا وجود دارد؟

به دلیل تاثیر سیل، غذای گیاهی دیگر مانند گذشته در دسترس نبود. بنابراین، خدا به انسان اجازه خوردن گوشت حیوانات را داد. این تغییر رژیم غذایی، تغییراتی را در رابطه بین انسان و حیوان ایجاد کرد، برخلاف آنچه که در خلقت اصلی و اولیه بین آنها وجود داشته است. در شرح حال خلقت، انسان و حیوانات، رژیم غذایی گیاهی یکسانی داشتند و تهدیدی برای یکدیگر نبودند. در جهان پس از سیل، کشتن حیوانات به منظور تهیه خوراک مستلزم وجود یک رابطه

ترس و وحشت بین آنها بود (پیدایش ۹: ۲). هنگامی که آنها شروع به خوردن یکدیگر کردند، بدون شک انسانها و حیوانات رابطه ای کاملا متفاوت از آنچه که در باغ عدن از آن لذت برده بودند را بین خود ایجاد کردند.

اما بردباری خدا دو محدودیت داشت. نخست، همه حیوانات برای خوراک مناسب نبودند. نخستین ممنوعیت به منزله تمایز بین حیوانات «پاک و نجس» بود، که بخشی از نظام آفرینش بود (نگاه کنید به پیدایش ۸: ۱۹، ۲۰ و با پیدایش ۱: ۲۱، ۲۴ مقایسه کنید). دومی، که صریح و جدید بود، این بود که از مصرف خون خودداری شود، زیرا خون است که حیات می بخشد (پیدایش ۹: ۴).

پنجشنبه

۱ اردیبهشت

عهد: بخش دوم

پیدایش باب ۸: ۲۱ تا ۹: ۱ را بخوانید. اهمیت تعهد خداوند در حفظ حیات چیست؟ چگونه رحمت و برکت خداوند این امر را محقق می سازد؟

تعهد خداوند برای حفظ و نگهداری زندگی از روی لطف و رحمت اوست؛ این ثمره شایستگیهای انسانی نبود. خدا تصمیم گرفت با وجود شرارت انسان، زندگی روی زمین را حفظ کند (پیدایش ۸: ۲۱). پیدایش ۸: ۲۲ را کلمه به کلمه بخوانید، «تمام روزهای زمین»؛ یعنی تا زمانی که زمین فعلی باقی است، فصل ها می آیند و می روند و زندگی پایدار خواهد بود. بطور خلاصه، خدا از حفظ و نگهداری خلقت خود دست نخواهد کشید.

در حقیقت، متن زیر، که از رحمت و برکت خدا سخن می گوید، ما را به خلقت اولیه و اصلی، و برکات و نعمت های آن باز می گرداند (پیدایش ۱: ۲۲، ۲۸؛ پیدایش ۲: ۳). به تعبیری، خداوند به بشریت فرصتی داد تا از نو شروع کند و دوباره طراوتیابد.

پیدایش باب ۹: ۸ تا ۱۷ را بخوانید. نکته مهم رنگین کمان چیست؟ این «نشانه عهد» (پیدایش ۹: ۱۳) چگونه با علامت دیگر عهد یعنی روز سبت، ارتباط دارد؟

عبارت «استوار... عهد» که سه بار در باب ۹ تکرار می شود (پیدایش ۹: ۹، ۱۱، ۱۷)، نقطه عطف و تحقق وعده اولیه خداوند است (پیدایش ۶: ۱۸). به دنبال بخش قبل، که در راستای ششمین روز حکایت خلقت است، روز سبت را پوشش می دهد. در داخل متن تکرار هفت بار کلمه «عهد»، طنین انداز روز سبت است. مانند روز سبت، رنگین کمان نیز نشانه عهد است (پیدایش ۹: ۱۳، ۱۴، ۱۶؛ را با خروج ۳۱: ۱۲ تا ۱۷ مقایسه کنید). همچنین، مانند روز سبت، رنگین کمان وسعت و گستره جهانی دارد؛ و برای تمامی دنیا قابل اعمال است.

همانگونه که روز سبت، به عنوان نشانه آفرینش، همه و همه جا را دربر می گیرد، این وعده که هیچ سیل دیگری در کل جهان رخ نخواهد داد، نیز شامل تمام جهانیان [همه کس و همه جا] می شود.

دفعه بعد که رنگین کمان را می بینید، به تمام وعده های خدا به ما بیاندیشید. چرا می توانیم به آن وعده ها اعتماد کنیم و چگونه رنگین کمان به ما نشان می دهد که می توانیم به تحقق آنها اطمینان داشته باشیم؟

جمعه

۲ اردیبهشت

اندیشه ای فراتر: مقایسه بین ذهنیت و رفتار مردم و وضعیت جهان قبل از سیل و مردم روزگار ما بسیار آموزنده است. مطمئناً، شرارتِ انسان پدیده جدیدی نیست. به شباهتهای زمان آنها و زمان ما نگاه کنید.

«گناहانی که باعث نابودی جهان پیش از طوفان شد، امروز نیز دیده می شوند. خدا ترسی در دلای انسانها از بین رفته است و با احکام خداوند با تحقیر و بی تفاوتی رفتار می شود. دنیا پرستی نسلِ پیش از طوفان، همانند دنیا پرستی نسلی است که در زمان حاضر زندگی می کند. مسیح گفت: « در روزهای پیش از طوفان، قبل از اینکه نوح به کشتی در آید، مردم می خوردند و می نوشیدند و زن می گرفتند و شوهر می کردند و نمی دانستند چه در پیش است تا اینکه طوفان آمد و همه را باخود برد. ظهور پسر انسان نیز همین گونه خواهد بود » (متی ۲۴ آیات ۳۸ و ۳۹). خداوند مردمان پیش از طوفان را به خاطر خوردن و نوشیدن مجازات نکرد، او محصولات زمین را به فراوانی به ایشان داد تا نیازهای جسمی شان را تأمین کند. گناه ایشان این بود که از نعمت های خداوند استفاده کردند اما از دهنده نعمتها قدردانی نکردند و با ارضاء امیال جسمی، شخصیت خویش را فاسد کردند. ازدواج امری مقدس بود زیرا خود خداوند آن را مقرر کرده بود و در مورد آن دستورات ویژه ای را صادر کرده بود. اما این دستورات به فراموشی سپرده شده و عمل ازدواج به انحراف کشیده شده بود و در خدمت شهوت قرار گرفته بود. امروزه نیز وضعیت همین طور است. چیزی که در ذات خود مجاز شمرده شده است، به افراط کشیده می شود. اشتها بدون هیچ کنترلی، ارضا می شود و مدعیان پیروی از مسیح با افراد مست و عیاش در حال خوردن و نوشیدن هستند، در حالی که اسامی ایشان در دفاتر کلیسا ثبت شده است. افراط و تفریط قوای اخلاقی و معنوی را فلج کرده و راه را برای انگیزه های فاسد و بی ارزش هموار ساخته است. انسانها برای ارضای تمایلات شهوانی خویش پایبند هیچگونه قید و بند اخلاقی نیستند. آنان به بردگان شهوت تبدیل شده و فقط برای این دنیا و تنها برای این زندگی، تلاش می کنند. اسراف و زیاده روی تمامی حوزه های اجتماعی را منحرف کرده است. شرافت، قربانی تجمل و تظاهر گردیده است. آنانی که می خواهند سریعاً ثروتمند شوند، عدالت را زیر پا گذاشته و فقیران را مورد ظلم و ستم قرار می دهند. کلاهبرداری، رشوه و دزدی در تمام سطوح جامعه از بالا تا پایین به امری رایج تبدیل

شده است. روزنامه‌ها مملو از گزارشات مربوط به جنایات و خونریزی است. این جنایات چنان با خونسردی و بی هدف انجام می‌شوند که گویی عواطف انسانی از بین رفته است. مهم‌تر اینکه تمامی این وقایع آنچنان عادی شده است که انسانها را به تعجب واهی دارد. روحیه هرج و مرج بر تمامی ملل سایه افکنده است. شورش‌ها و خشونت‌هایی که هر از گاهی موجب وحشت جهانیان می‌شوند، چیزی نیستند، جز نشانه‌هایی مربوط به احساسات فرو خورده‌ای که ناشی از ظلم و بی قانونی است که اگر کنترل نشوند جهان را از رنج و ویرانی لبریز خواهند کرد. تصویری که کلام وحی از دنیای پیش از طوفان ترسیم کرده است، نشان دهنده این واقعیت است که جامعه امروز نیز با همان شتاب به سوی آن شرایط پیش می‌رود. حتی اکنون نیز، در زمان حاضر، و در سرزمینهای مسیحی، هر روزه جرایم و جنایاتی آنچنان زشت و وحشتناک به وقوع می‌پیوندد که گناهکاران دنیای پیش از طوفان به خاطر ارتکاب همان جنایات هلاک شدند» (الن جی وایت، مشایخ و انبیا، صفحات ۱۰۱ و ۱۰۲).

سوالاتی برای بحث:

۱. ویژگیهای مشترک بین جامعه قبل از سیل و جامعه ما چه هستند؟ این ویژگیهای مشترک در مورد فیض خداوند به ما چه می‌آموزند، اینکه با وجود همه این مسائل، او جهان را دوست دارد و هنوز در پی نجات هر کسی است که بتواند؟
۲. برخی معتقد هستند که طوفان نوح فقط یک رویداد منطقه‌ای بوده است. اشکال این نظریه چیست؟ اگر این درست باشد، چرا هر سیل منطقه‌ای (و هر رنگین کمان) میتواندست خدا را یک دروغگو نشان دهد؟